

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۸
پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ فروردین ۱۴۰۱، بهای: ۱۵ ریال

بایستی‌بانی از امام خمینی، توطئه جدید امریکارادار هم شکنیم

در پارهای موارد حتی بازداشت آنان به منظور برانگیختن خشم دهقانان و مایوس ساختنشان از انقلاب، ایجاد جو تشنج و درگیری و زدوخورد در مدارس بقصد تعطیل آنها، تحریک در کارخانه به منظور تسری اعتصاب و تحصن در میان کارگران و توقف تولید، سرهم‌بندی کردن تظاهرات در چند شهر، با هدف توهین به مقام ولایت فقیه و لطمه زدن به وجهه روحانیت پیرو خط امام، حمله به کتابفروشیها و مراکز نشریات حزب ما در پارهای مناطق، همه و همه پیش درآمد این توطئه امریالیستی است که ضدانقلاب آگاهانه و طبق نقشه، عناصر ساده‌دل و فریب‌خورده، ناآگاهانه، به خواست امریالیسم در به زانو درآوردن انقلاب تمکین کرده‌اند.

ضد ستم و بهره‌کشی را دارد. در هفته‌های اخیر، گمراه کانونهای کوناگون این آتش‌افروزی امریالیستی علیه انقلاب بوده‌اند؛ ایجاد درگیری در برخی از شهرها و افتادن گروههای سیاسی بجان یکدیگر، تحریکات فئودالها و زمین‌داران بزرگ در روستاها، جلوگیری از فعالیت هیئت‌های هفت‌نفری تقسیم زمین و

امریالیسم امریکا، تارهای هفتمین توطئه را بر کرد انقلاب ایران تهنیداست. این بار آماج مستقیم این توطئه پلید، مقام پیراج امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و روحانیت پیرو خط امام است که گویا باید با تبلیغات پریهاوی مخالفان لطمه بیند و میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت پیرو خط امام جدائی افتد، تا زمینه برای وارد آوردن ضربه قلمی فراهم آید.

نورالدین کیانوری

(۱)

«پرسش و پاسخ»
**تلاشهای امریالیسم
جهانخوار برای تغییر
تناسب نیروها به زیان
خلق، محکوم
به شکست است**

صفحه ۶

فرمان امام راه پیمایی امروز انجام نمی‌شود

دختر امام خمینی، صبح دیرزسطح اطلاعیه‌ای اعلام کرد که راه پیمایی امروز پنجشنبه انجام نشود و توجه مردم به رفع مشکلات مملکتی، معطوف گردد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «(امام خمینی فرموده‌اند) با توجه به حساسیت زمان و مطلع قلمی که ما گرفتار مسئله جنگ با دشمنان اسلام هستیم و باید به مسائل و مشکلات مملکتی بپردازیم... از راه پیمایی‌هایی که قرار است به این عنوان انجام شود، صرف نظر نمایم و به کارهای مهم و رفع مشکلات دیگری که دارند بپردازند.» امام خمینی، همچنین از آیت‌الله طاهری، امام جمعه اسفهان، خواستند که به اسفهان بازگردد و آرکانهای انقلابی را هم که اعلام تعطیل نموده‌اند فراخوانند که به کارهای عادی خود مشغول گردند.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه‌ای که به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران منتشر ساخته، رویدادهای هفته‌های اخیر را چنین ارزیابی میکند: «حزب توده ایران که پیوسته و بی‌تغییر از انقلاب ضد امریالیستی و مردمی ایران هواداری کرده و میکند و در افشای توطئه‌های شیطان امریالیسم امریکا برای سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال داشته و دارد، رویدادهای تحریک آمیز هفته‌های اخیر را بعنوان پیش‌درآمدی برای تدارک توطئه جدید امریالیستی - ارتجاعی ارزیابی میکند. این تحریکات همچنین بازتابی است از هراس سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان، لیبرالها و مالوئیست‌ها از تعقیق انقلاب بزرگ بقیه در صفحه ۴

بر اثر آتش سپاهیان انقلاب

چندین تانک و دههاتن از تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنوب و غرب منهدم شدند

مدت ۳ بار عملیات چریکی در ارتفاعات منطقه صورت گرفته است. وی تاکید کرد که در یکی از این عملیات ۷ نفر از مزدوران کشته و ۲ خودروی آنان منهدم شد. خبرگزاری پارس از کرمانشاه اعلام کرد: در این جبهه بر اثر چریکی عملیات چریکی توسط گروهی از رزمندگان ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج‌عشائری در پشت خطوط دشمن، یک نفر از مزدوران کشته و تعدادی مجروح شدند.

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات تازه‌ای بر پیکر آنان وارد ساختند. خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر، به نقل از روابط عمومی استانداری ایلام، گزارش دادند: در یک عملیات چریکی، که بوسیله گردان مخصوص کلاهد سبزه و مدافعان محلی انقلاب اسلامی مستقر در ارتفاعات میمک در منطقه ایلام، در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آذرماه، با پشتیبانی آتش توپخانه انجام شد، در حدود یکصد نفر از مزدوران کشته و زخمی شدند و ۴ دستگاه خودرو، یک تانکر آب، ۳ دستگاه چادر گروهی مزدوران عراقی منهدم و به ۱۶ سنگر دشمنان انقلاب تا حدود ۸۰ درصد خسارت وارد آمد. خبرگزاری پارس در گزارش دیگری، به نقل از یک مقام مسئول سپاه پاسداران ایلام، می‌افزاید:

خبرگزاری پارس در گزارش دیگری از جبهه‌های آب‌سندان گزارش داد: بعد از ظهر سه‌شنبه، در ادامه آتش شدید توپخانه در محور جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر توسط رزمندگان پاسدار اسلام، یک تانک دشمن هدف قرار گرفت و منهدم شد و خدمه آن نیز به هلاکت رسیدند. مبادله آتش توپخانه تا ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه در این جبهه‌ها همچنان ادامه داشت.

در درگیری روز دوشنبه در ارتفاعات ملکنامی، پاسداران پاسدار با آتش خمپاره‌انداز خود سنگرهای دشمن را بشدت دردم کوبیدند و تلفات و خسارات سنگینی به مزدوران وارد آوردند. سرپرست گروه عشائری مستقر در گیلان‌فرد، عصر روز سه‌شنبه به‌خبرگزاری پارس گفت: «در این جبهه ۴ ساعت مداوم درگیری با سلاح سنگین و سبک و خمپاره‌انداز جریان دارد. در همین

در مصاحبه با نشریه پیام انقلاب اعلام شد:

پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل جبهه‌ای از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادبخش فلسطین

سفر سفیر لیبی: ۱۱ ماه پیش، طرح تشکیل این جبهه‌ها را ارائه دادم. امام خمینی و آیت‌الله منتظری با آن موافقت کردند. بعضی از عناصر مخالف طرح ما را برهم زدند. اگر این ۵ کشور ۱۱ ماه قبل هم پیمان شده بودند، صدام نمی‌توانست اقدام به این تجاوز کند.

داشتیم که اگر صدام در زاپله با قویت عربی و ایرانی اظهار نظری کرد، او را طبق این طرح منکوب کنیم. و یا اگر از شیعه و سنی صحبتی به میان آورد، او را منجبت نمایم، چرا که ما متمسک به اسلام بودیم، که در اسلام هم تفاوتی بین شیعه و سنی نیست. شما هم از سرزمین اسلامی ایران خارج نشدید و در زمینه گسترش انقلاب با جهان ارتباط پیدا نکردید. (پیام انقلاب، ارگان میانه پاسداران، ۱۲ آذر ۵۹، صفحه ۵۰)

آن هنگام این طرح را چنین عنوان کردم که الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران برای آزادی فلسطین جبهه‌ای تشکیل بدهیم. بعضی از عناصر مخالف، پیشنهاد و طرح ما را برهم زدند. و من حتی به اسم آنها را می‌شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم. و اگر این پنج کشور در ۱۱ ماه قبل هم پیمان شده بودند، صدام نمی‌توانست اقدام به این تجاوز بکند. و ما از پیش در نظر

در این مجال باصراحت بشما میگویم که شما هم در ایران یک اشتباه بزرگ مرتکب شدید و به پیشنهاد مادر این زمینه وقتی ننهادید. و من الان اسفان و پیشنهاد میکنم. در ماه صامبر گذشته، یعنی در حدود ۱۱ ماه پیش هم طرحی را ارائه دادم، مبنی بر تشکیل جبهه‌ای که مرکب از پنج دولت اسلامی بود و آیت‌الله منتظری موافقت کردند و متوجه شدم آیت‌الله خمینی هم موافقت کرده‌اند و همچنین تعداد کثیری از اندیشمندان اسلامی با اجرای آن موافقت کردند. در

به گزارش خبرنگار دفتر مرکزی خیرات آبادان: با شلیک خمپاره‌های پاسداران انقلاب در این شهر، ۳ تانک دشمن متجاوز در اطراف منطقه ایستگاه هفت منهدم شد. در همین جبهه ۲ سنگر تیرباردشمن نیز منهدم شد. همچنین در جبهه کرخه‌کورد یک سرباز عراقی یا یک خودروی حامل مهمات خود را به رزمندگان بسیج در این جبهه معرفی کرد.

مبادله آتش میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن در منطقه غرب خونین‌شهر از عصر دوشنبه تا روز سه‌شنبه به‌شدت ادامه

کارفرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلاص می‌کنند

در صفحه ۴

روزنامه‌سازی علیه حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است

بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بشهادت کارنامه مبارزاتی خود در بیست ماه اخیر - چنانکه مقامات مسئول نیز آگاهی دارند - همواره در کشف دسیسه‌های ضدانقلاب و مقابله با آنها نقش فعال و ارزنده ایفا کرده است. ۴ - پرونده سازی برای حزب توده ایران و درج چنین مطالب تحریک‌آمیز و سراپا کذبی، در روزنامه‌ای که خود را هوادار انقلاب و پیرو خط امام می‌شمارد، بقیه در صفحه ۸

جمله در نامه «مردم» بچاپ رسیده، آشکارا اعلام داشته است که با «سازمان مجاهدین خلق ایران» درباره ارزیابی این سازمان از سرشت انقلاب ۲۲ بهمن و صف آرایی نیروهای متشکله آن و همچنین عملکرد سازمان مجاهدین خلق ایران» در سراسر دوران انقلاب، بسویژه در لحظات سرنوشت‌ساز کنونی، اختلافات جدی و اصولی دارد. ۳ - حزب توده ایران بر پایه موضعگیری اصولی و انقلابی خود

زیرا امکان می‌رود قسمت اول طرح با شکست روبرو شود. لذا این سازمان بعد از موفقیت‌قسمت اول همکاری را با شما آغاز می‌نماید و برای اجرای بقیه طرح مذکور، حزب توده (ایران) تمام امکانات را برای شما آماده میکند. روشن کردن ساختگی بودن و یا واقعی بودن مطلبی که روزنامه صبح آزادگان درباره «سازمان مجاهدین خلق ایران» نگاشته، با خود «سازمان مجاهدین

روزنامه «صبح آزادگان» در شماره ۲۶۹، چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۵۹ خود، در مطلبی زیر عنوان «افتتاح توطئه جدید مجاهدین» ادعا کرده است که: «طبق خبر خبرنگار آزادگان، مراسلاتی هم بین مجاهدین خلق و حزب توده (ایران) صورت گرفته و خواهان همکاری حزب توده (ایران) در این نقشه شوم شده‌اند. اما حزب کافر توده گفته است که همکاری از اول طرح با شما غیرممکن است،

دوره صفحات بهد

لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟
صفحه ۳
دستفروشان را دریابید
سود انقلاب در اینست
• ادامه فعالیت هیئت‌های هفت نفری
• ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی
صفحه ۵

برای مبارزه با امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لیبرال کیست؟

لیبرالها خواستار «آزادی» برای غارتگران هستند. آنها از بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته، که چون زالو خون مردم را می‌مکند و با استفاده از آزادی نامحدودی که در شرایط فعلی برای آنها وجود دارد، سودهای چند صد درصدی به جیب خود سرآویز می‌کنند، مدافعه می‌کنند. آنها محدود کردن غارتگریهای آنان را عملی «ضد آزادی» می‌دانند. لذا آنها از جمله با دولتی کردن بازرگانی خارجی مخالفتند. در جلسه مورخ ۲۵ آذرماه ۵۹ مجلس شورای اسلامی، در بحثی پیرامون اجرای اصل قانون اساسی مبنی بر دولتی کردن بازرگانی خارجی، یکی دیگر از لیبرالها، تئیس دادگاه «آزادی» از نظر آنها چه مقبومی دارد.

اصک ۴۴ قانون اساسی: «بخشی دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

مخبر کمیسیون بازرگانی: «سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل (دوره شاه) باشد و این کاتال باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم ارزش زیادی خارج شده، هم در وارد کردن کالاهای ضروری مردم اختلال شده و هم برای سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیدند و در راه تجارت انداختند. لذا باید با کمک وزارت بازرگانی طرحی تهیه شود که فواید و خرابیهای گذشته، با دولتی شدن بازرگانی خارجی جلوی گرفته شود.»

هائیم صیغیان: «طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد دولتی بودن بازرگانی خارجی، کسی نمی‌تواند با دولتی کردن بازرگانی خارجی مخالفت داشته باشد، ولی (!) دولتی شدن تجارت خارجی... به اجرا هم گذاشته شده است... وزارت بازرگانی هم مشغول اجرای آنست و آنرا انجام میدهد... آیا این پس نیست؟!»

معصومی مخبر کمیسیون بازرگانی: «ما آن قانون را (که صیغیان به آن اشاره میکرد) دیدیم. ولی اگر آن قانون پیاده شود، دولتی کردن بازرگانی خارجی، به نفعهای ما میرسد و به آن صورت بدر ما و انقلاب ما نمی‌خورد.»

ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بازرگانی، با اکثریت آراء نمایندگان مجلس به تصویب رسید و وزارت بازرگانی موظف شد که ظرف ۳ ماه، قانون مربوط به دولتی شدن بازرگانی خارجی را تهیه و به مجلس ارائه کند. لیبرالها، باز هم تیرشان به سنگ خورد.

لایحه بنیاد مسکن در جلسه مجلس مطرح شد

نماینده ممسنی خواستار رسیدگی سریع مسئولین مملکتی به وضع حساس این منطقه شد

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرویز تشکیل شد، چندتن از نمایندگان در ارتباط با مسائل روز سخن گفتند و لایحه مربوط به نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

صد سنجاییان، نماینده ممسنی، اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز بود، که در ارتباط با حوادث اخیر ممسنی سخن گفت. وی ضمن تشریح این درگیری، که در آن ۵ نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند، تأکید کرد که این درگیری به علت بی‌توجهی و کاهلی مسئولین امر بوجود آمده و مقامات مملکتی باید هرچه زودتر به این قضیه رسیدگی کنند. نماینده ممسنی سپس به جزئیات این درگیری، که بنایه گفته وی از ابتدا به علت بی‌توجهی مسئولین آموزش و پرورش به خواستهای معلمان منطقه شروع شده، پرداخت و آنگاه گفت:

«در فروردین ۵۸ وقتی خسرو قشقایی به منطقه آمد، مردم نورآباد علیه او تظاهرات راه انداختند و مانع پیاده شدن وی از ماشینش شدند. مردمی که زیر ستم خان بودند نمی‌توانند خان را دوست داشته باشند، ولی باید به خواستهای آنها توجه کرد.»

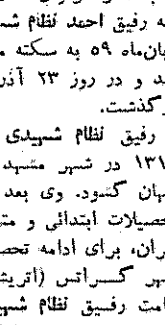
هائیم سنجایی، دومین ناطق پیش از دستور، به تشریح انواع آزادی و سوءاستفاده «کج‌روان» از آنها پرداخت. پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، علی‌اکبر پرویز، نایب رئیس مجلس، ضمن سخنان کوتاهی به مناسبت سالگرد شهادت دکتر مفتاح، از وی تجلیل کرد. پرورش همچنین از دو پاسدار همراه دکتر مفتاح نیز، که به شهادت رسیدند، تجلیل کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

مخبر کمیسیون مسکن در توضیح این طرح گفت: «بفرمان امام بنیاد مسکن با حساب ۱۰۰۰ شروع کار کرد و در بیشتر شهرها کارش را بنحوی قابل ملاحظه‌ای انجام داد. دلیل عمده یسررفت کار بنیاد مسکن این بود که این بنیاد عمدتاً با نیروهای مردمی و کمک مستقیم آنها متکی بود. ولی به علت پاره‌های ناهماهنگیها در کارها و بعد از تشکیل دولت، ضرورت ایجاد هماهنگی در کار مسکن، احساس شد. به دنبال این ضرورت، وزیر مسکن در مورد ایجاد هماهنگی با امام صحبت کرد، که ایشان موافقت کردند.»

وی افزود: «معاملات مسکن هم کار خود را بر اساس مصوبه شورای انقلاب آغاز کرد. بر اساس این مصوبه

درگذشته یک رفیق توده‌ای



به تازگی در تهران از علما و روحانیان توده‌ای که رفیق احمد نظام شیبی در روز ۲۳ آذر ۵۹ به سکه مغز شد و در روز ۲۳ آذر درگذشت.

رفیق نظام شیبی در ۱۳۱۷ در شهر مشهد چ چنان گذرد. وی بعد از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مشهد، برای ادامه تحصیل شهر گستران (اتریش) اقامت رفیق نظام شیبی اتریش مصادف بود با اوج دانشجو جوان ایرانی بر ضد دیکتاتوری دست‌نشانده خارج از کشور. رفیق شیبی در صفوف حزب ایران به مبارزه بر ضد امپریالیسم و پسرکردگی آمریکا، و شاه ملعون پرداخت.

رفیق نظام شیبی در آغاز لطفه حیات به آرمان حزب وفادار بود و در راه آن از فداکاری دریغ نکرد.

خاطره رفیق احمد نظام را گرامی می‌داریم و این جانگداز را به همسر و خردسال رفیق فقید تسلیت می‌گوییم.

مجلس یادبود رفیق احمد شیبی، روز شنبه ۲۹ آذر ۱۳۵۹ ساعت ۲ تا ۲ ظهیر، در مسجد «الجراد» خواهد شد.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم و دمکرات ایران در جبهه متحد

و انقلاب و مردم گسستگی پدید آید. حزب توده ایران که مدافع یکپور و بی‌ترزول انقلاب و پشتیبان صمیمی رهبر انقلاب، امام خمینی است، همچنان بیدار و هشیار مراقب توطئه‌های دشمن اصلی ما، امپریالیسم امریکاست و همه اعضا و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی را به هشیاری بیشتر و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و پشتیبانی از امام خمینی فرامی‌خواند. هموطنان! با پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بیاتگذار جمهوری اسلامی ایران، توطئه جدید امریکا را درهم شکنیم.

در حاشیه مجلس کدام ارز؟

سنجونی، نماینده کرخ، هنگام طرح مسئله مسکن و خروج ارز توسط طاغوتیان، گفت: «کدام ارز؟ هر چه ارز بود در دوران دولت موقت خارج شده.»

عملیات موثقت‌آمیز انقلابیون السالی ادور علیه رژیم دست‌نشانده این کشور

نیروهای امپریالیست و تریخووالسالوادور در نزدیکی پایتخت این کشور در رشته‌های نظامی موثقت‌آمیز انجام دادند. مقامهای رژیم وابسته السالوادور اعتراف کردند که در جریان این عملیات عظیم، زیادی از سرسازان مزدور کشته و مجروح شدند. از سوی دیگر تروپرستیهای جوخه‌های راستکار که از حمایت داروخته نظامی حاکم برخوردارند در ۴۸ ساعت گذشته به ترورهای چنانیکارانه خود ادامه دادند. در نتیجه این عملیات فاشیستی جمعا ۵۰ نفر از مبارزان کشور کشته شدند.

«القاء ایدئولوژی»

«امروز اگر حزب توده در خط امام سیر می‌کند و زیر عیای آخوندها به اربابانش گام می‌گذارد، بد خدمت می‌کند... عجیب نیست. آخوندیسم و توده‌ایسم از یک آتشخور آب می‌خورند و سیر یک ازدها... به شادمانی آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان یگانگی منافع دو استعمار کین در ایران است... (همه از) اتحاد نامقدس سرخ و سیاه توطئه‌های شوم و بدفرجامش در دوران دکتر مصدق باخبرند.» (راديو اویسی، ۱۶ آذر ۵۹)

«پس از شهریور بیست تا مغان و خیلی حساب شده با کمک شوروی، حزب توده موجودیت خود را اعلام کرد... میوه نفاق و کارشکنی‌های حزب، کودتای ۲۸ مرداد ۴۴ بود... روسیه از گذشته به اندازه کافی پند گرفته و اشتباهات گذشته را تکرار نمی‌نماید. روسیه اکنون تقسیم وظایف نموده و با ایجاد چندین گروه هروظیفه‌ای را بدست یکی سپرده است. حزب توده موظف است با کمک واقعات خود را پر و خط امام بخواند و با تبهمت و افتراهای گوناگون، گروهی از مسلمانان را از میدان بدر کند... در این میان مسلمانان هم بی‌توجه به نقشه‌های منافقین متعدد روسی هر آنچه را که آنان می‌گویند، ایمان طوطی‌وار ذکر می‌کنند.» (امید، ۸ آذر ۵۹)

بمناسبت چهلمین روز شهادت سیمین

اینک چهل روز از شهادت سیمین این دخت جوان توده‌ای میگذرد که در جبه آبادان به خیل شهادی بیشمار انقلاب ایران پیوست و جاودانه گشت. چه بر معناست این شمار خود ساخته مردم که بدنبال هر شهیدی، فریاد «شهیدان زنده‌اند» را تکرار می‌کنند. شهید راه انقلاب، در وجود هم‌زمانیکه راه او را ادامه میدهند؛ در تحول فکری که در اطرافیان خود بوجود می‌آورد؛ در تحریک و توانی که به سایر مبارزان میدهد و راه‌پیمایی را هموار میسازد؛ ابدیت می‌یابد. شهید، با ایثار و جانبازی در راه مرام و آرمانهای والای خود را بدیگرانی می‌آموزد. شهید در خاطر مردم و در تاریخ خلقها زنده و جاویدانست. شهید...
در باره مادر سیمین سلامی زاده، این شیرزن خوزستانی، رفا، داستانها نقل می‌کند بطوریکه همه مشتاق زیارتش هستند. اینک او را در ماهشتر میتوان یافت. برای تجدید خاطره سیمین، در چهلمین روز شهادتش، خوانندگان نامه «مردم» و تمام شفقان راه سیمین را همراه این سلطور به دیدار و گفتگویی ولو کوتاه با مادر سیمین می‌بریم.
جمعه ۱۴ آذر در منزل یکی از رفقای ماهشتر به دیدن مادر و خواهر کوچکتر سیمین میشتابیم. چادر سیاه و مقنعه‌ای که بسته بود، سیما آرامش را ابدیت خاصی می‌بخشد. آرام و غمگین در کنارش می‌نشیم. رفقای خجود، از دختر و پسر درش حلقه زده بودند و همگی او را مادر خطاب می‌کردند. پیش از آنکه سخنی بر زبانها جاری شود، قلبهای آکنده از خشم نسبت به دشمنان انقلاب ایران، و دیدگان سرشار از امید به آینده، بیانگر همدردی و همبستگی همه رفقا و دوستان و کمیته مرکزی حزب سیمین به خانواده سلامی زاده میشود. بعضی‌ها می‌گویند باغلبه بر احساسات

خود مادر را به آرامش و بردباری دعوت کنند. ولی او خود لب به سخن گشود: «من دیگری نمی‌توانم و غصه سیمین رانمی‌خورم. تازه بعد از مرگ سیمین حزب را شناختم. با دوستان او آشنا شدم و فهمیدم که چرا سیمین در حیات خود همیشه از حزب توده ایران ستایش میکرد و شبانه‌روز در راه او آرام و قرار نداشت. می‌گفت: «به آبادان که برگشتم خودم کارهای او را ادامه میدهم. خودم روزنامه‌های سیمین را زیر عیایم می‌گیرم و درشهر می‌فروشم. به بینم چه کسی جلوم را می‌گیرد.»

«حیف که سواد ندارم! سیمین همیشه روزنامه مردم را نشان میداد و می‌گفت: مادر تو فیدانی چه چیزهای خوبی در این روزنامه می‌نویسند. چه خوب مردم را هدایت میکنند. بارها مقالات مردم را برایم می‌خواند و توضیح میداد. سیمین از رفتنش برایم صحبت میکرد. حالا می‌فهمم چه میگفت و چه دوستان سربران و انسانی دارد. بیشتر از قایل خودمان بها محبت میکنند. خدا همه‌شمارا حفظ کند.»

بیکاره بفنشن گرفت و کمی گریست. کوه‌اندوه بردلها سنگینی میکرد ولی مکر میشد او را تسلی داد. یکی گفت «مادر گریه نکن. شهادت سیمین غم و اندوه ندارد. همه این جوانان، دختران و پسران، سیمین‌های تو هستند. تو اینک در میان خانواده بزرگ توده‌ای سیمین هستی.»

مادر اشک‌پاشی را پاک کرد و ادامه داد: «برای مرگ سیمین نیست که گریه می‌کنم. تاسف تنها از اینست که چرا سیمین وقتی زنده بود نتوانست آظهورا که دلش می‌خواست، آزادانه فعالیت بکند. روزنامه‌های مردم و کتابهایش را در گنجش مخفی میکرد. تنها

با پشتیبانی از...

هر روز ضربات جانانه‌تری بر مواضع امپریالیسم و سرمایه‌داری وارد می‌آورند. سیاست خارجی ایران آشکارا بسوی پیوستگی با کشوره‌ای ضدامپریالیستی جهان و گسستن از کشورهای ارتجاعی گرایش یافته است. در داخل، با طرد لیبرالها از مواضع کلیدی و گرایشهای مثبت در تظور و تحول سیاستهای بازرگانی، ازسی، آموزشی، گارگری و غیره، افق‌های نوینی گشوده شده است، که به پیرو سرای امپریالیسم غارتگر و طبقات استعمارگر داخلی، دلپذیر نیست. مخالفت با امام خمینی و روحانیت پیرو خط امام از چنین شده چرکین و غنی تراوش میکند. بقول امام خمینی:

«اینجا با روحانی خوب مخالفند، با بدها متخالف نیستند.»

اگر امام خمینی و روحانیت پیرو خط

امام در موضع مبارزه با امپریالیسم نایستاده بودند، آنوقت نه امپریالیسم آمریکا کمز به نابودی او می‌یست و نه «سوکوران آزادی» چنین هیاهوسر می‌دادند و کارشکنی آغاز می‌کردند. این قاطعیت انقلابی امام خمینی و روحانیت پیرو اوست، که چنین خشم و کینه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش را برانگیخته است.

در این هفتمین توطئه توطئه نیز، مانند شش توطئه پیشین، امپریالیسم آمریکا دچار خطا و نپسندار است، و این خطا و پندار از به حساب نیاوردن عامل مردم ناشی میشود، مردمی که با یکدست اسلحه بر گرفته و علیه تجاروزان سدایمی‌چنگند، با دست دیگری به تقویت مواضع اقتصادی انقلاب مشغولند و با تمام هستی‌خود از امام خمینی، رهبر آشتی‌ناپذیر، روحانی پارسا و مدافع توده‌های محروم، دفاع میکنند، در محاسبه

این بار هم امپریالیسم آمریکا با سلاح زنگار بسته بچنگ انقلاب ما آمده است، ولی بی‌تردید شکست خواهد خورد. مردم برآمده از کوره انقلاب ۲۲ بهمن، با همان شور و گرما و هیجان و آگاهی برای دفاع از انقلاب در صحنه ایستاده‌اند و دست امپریالیسم آمریکا این چادوگر غدار را از میان درد و آتشی که در سراسر کشور پرافرودخته است، تشخیص میدهند. اینان نخواهند گذاشت که امام خمینی تنها ماند، نخواهند گذاشت که میان امام خمینی

ایران و انقلاب و پشتیبان صمیمی رهبر انقلاب، امام خمینی است، همچنان بیدار و هشیار مراقب توطئه‌های دشمن اصلی ما، امپریالیسم امریکاست و همه اعضا و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی را به هشیاری بیشتر و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و پشتیبانی از امام خمینی فرامی‌خواند. هموطنان! با پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بیاتگذار جمهوری اسلامی ایران، توطئه جدید امریکا را درهم شکنیم.

لیبرال‌ها خواهندستار چه جامعه‌ای هستند؟

لیبرال‌ها مدافع نظام اقتصادی وابسته به امپریالیسم

یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران می‌گوید: تمام قراردادهای که رژیم محمد رضا با امپریالیست‌ها (ست)، "به نفع طرف" و "بضرر ماست"، اما:

"جنین جاه‌های ویلی که دستگاه‌های گذشته کنده‌اند، مملکت به ناچار باید درون آن بیفتد و خفه شود". (از سخنرانی اوایل خرداد ۵۸)

یکی دیگر از سخنگویان بورژوازی لیبرال در مورد سرمایه‌داران غارتگری که پایه‌های رژیم محمد رضا منقور در داخل بر روی آن‌ها قرار داشت، می‌گوید:

"تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا باید پناه ببرند، نمی‌دانند کجا بروند و تظلم کنند... صاحبان نفت و تجارت را دعوت به کار کنید. این بزرگ‌ترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود." (از سخنرانی نخستین مدیر عامل شرکت نفت در دولت موقت، در کنگره حقوقدانان، اوایل خرداد ۵۸)

لیبرال‌ها مدافع فئودالها و بزرگ مالکان

"دستور فرائید وسیله ادارات تابعه در اقصی نقاط حوزه آن مدیریت، به کلیه زارعین که عدوانا (!) اراضی و موسسات دیگران را تصرف کرده‌اند، اعلام گردد تا تاریخ ۱۸ خرداد سال جاری نسبت به استرداد اراضی مورد تجاوز (!) به صاحبان اصلی (!) اقدام نمایند. در غیر این صورت در پایان مهلت مقرر علاوه بر خلع ید از کلیه گک‌های دولت محروم خواهند شد، یعنی هیچ‌کدام از محصولات آن‌ها خریداری نمی‌شود و به آنها وام داده نمی‌شود و حتی در مورد دهقانانی که از طریق اصلاحات ارضی زمینی به آنها داده شده‌است، پس گرفته می‌شود."

(بخشنامه وزیر کشاورزی دولت موقت، بهار ۵۸)

"اصلا ما قبلا هم فئودال نداشتیم، چرا که پس از اصلاحات ارضی (مقصود اصلاحات ارضی شاهانه است)، هیچ‌کس مالک بیشتر از یک ده نبود!... بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی، ملاحظه می‌شود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شش‌دانگ هم ندارد و هم‌اکنون قسمت شده‌است و بزرگ مالکی مطلقا نیست". (از سخنان وزیر کشاورزی دولت موقت)

و هنگامی که قدرت از کف لیبرال‌ها به در می‌رود و از فئودال‌ها و بزرگ مالکان، که گویا وجود نداشته‌اند، سلب مالکیت می‌شود و توده‌های میلیونی دهقانان، از هیئت‌های ۷ نفری زمین دریافت می‌کنند، لیبرال‌ها می‌نویسند:

"کلیه احکام و قوانین، حوزه مربوط به زمین و مسکن و کارخانه‌ها و تعدیل ثروت یا صادرات و مجازات‌ها و امثال آن ... باید متوقف ماند."

لیبرال‌ها مدافع سرمایه‌داری وابسته

لیبرال‌ها فریاد اعتراض برداشته‌اند که: "اسلام دین تسلیم‌است، نه عصیان" و "کار را به جایی رسانده‌اند که ابودر بنام

جندی بین حجال بر سرودایی از محافل لیبرال سرخاست وضا را بر کرد. نمایندگان واسه به این "خط" در سخنرانی‌ها، نامه‌های سرگنده و مقالات، با آزادی کامل یک‌صد فریاد برداشتند که: "ایمانی" آزادی نیست، "هیولای احتیاج"، که "ساج و دم" هم ندارد. همه جا را به زیر سایه، محوف خود گرفته‌است، می‌خواهد "دیکتاتوری منصفین" برقرار کند و ما را که فقط! "خواستار تنفس در هوای آزادی عزیز" هستیم، خفه کند. "ای آزادی، ای موعبت بزرگ می‌خواهد نورا باز دیگر از ایران بگیرد"، "می‌خواهد همان جو زمان شاه مخلوع را دوباره بر مبین ما حاکم کند"، "می‌خواهد دیکتاتوری برولتاریا" برقرار کند! "دارند حلیم مارکس را برهم می‌زنند! ..."

لیبرال‌ها، که با آزادی کامل هرچه می‌خواهند، در همه جا می‌گویند و می‌نویسند، چرا احساس "حقان" می‌کنند؟ چگونه "آزادی" می‌خواهند؟ "آزادی" برای چه می‌خواهند؟ لیبرال‌ها پاسخ خواهند داد: "آزادی برای ساختن جامعه‌ای که مورد نظر ماست."

کدام جامعه؟

لیبرال‌ها در این مورد کمتر دم به تله می‌دهند. آن‌ها از جامعه مورد نظر خود بسیار کم سخن می‌گویند. آن‌ها فقط فریاد بر می‌دارند که: "آزادی" نیست و حقان هست، و چه کلمات زیبا که در رنای آزادی ظلم نمی‌زنند و چه نفرین‌های حشم‌آکن که نار "حقان" می‌کنند.

این ظاهر را خراس بدسیم و سیسیم که در زیر این ظاهر خوش آب و رنگ و دل‌فریب، چه واقعیتی نهان شده است و لیبرال‌ها "آزادی" را برای ساختن چه جامعه‌ای طلب می‌کنند و از چه "حقان" است که می‌نالند.

ما برای نشان دادن تصویر واقعی این جامعه مورد نظر لیبرال‌ها، تلاش کرده‌ایم که از زبان سخنگویان و ارگان‌های اصلی بورژوازی لیبرال ایران، این "جامعه آزاد" را از میان کوهی از جمله برداری‌ها و سخنان زیبا در دو سال گذشته، بیرون آوریم و آنرا در عرض افکار عمومی مردم انقلابی ایران قرار دهیم. ما در این‌جا نیازی به ذکر اسامی افراد و جرایم نداریم، زیرا که اولاً ما را با نظریات و خط‌مشی‌ها سروکار است و نه افراد، و ثانیاً اشخاص و جرایمی که از آن‌ها مثل فول کرده‌ایم، جبهه‌های آشنایی هستند. باشد که جامعه مورد نظر لیبرال‌ها چشم کسانی را که خواسته در نارو بود دام خوش منظر "آزادی" لیبرال‌ها سیر شده‌اند، بکشاید و آنان را که ناخواسته به پیش‌برد امثال لیبرال‌ها بیاری می‌رساند، هشدار سازد.

لیبرال‌ها مدافع دولت شاهنشاهی بدون شاه

دولت مورد نظر لیبرال‌ها، دولت انقلابی نیست "نظام مشروطه است، منتهای سلطنت" (از سخنرانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷)

و این دولت "حق ندارد از قوانینی که تصویب نشده، استفاده کند".

(همانجا)

لدا دولت لیبرال‌ها "در همان نظام سابق (نظام شاهنشاهی)" و "قوانین موجود" (قوانین محمدرضاشاهی) عمل

پیشین ... به از صفحه ۶



فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا

"در ایران یک انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است. این غیرقابل انکار است. این انقلاب دارای قدرت خارق‌العاده‌ایست. وظیفه ما پشتیبانی و ابراز همبستگی با ایران است." از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ (اول ماه مه ۱۹۸۰) در هاوانا

"کشور کوبا وظیفه مقدم خود می‌داند که مراتب تایید و حمایت خویش را از انقلاب ایران ابراز بدارد، زیرا ما علیرغم فاصلهای که بین مرزهایمان هست و تفاوت‌های موجود میان سنن و زبان‌مان، در مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردمان، که همواره از سوی دولت‌های ظالم و دست‌نشانده سرکوب شده است، متحد هستیم."

از اظهارات نماینده کوبا در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، تهران، خردادماه ۱۳۵۹

په‌مناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

کوبا و انقلاب ایران

بما خاسته‌اند و درست به همین دلیل مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن قرار گرفته‌اند، مورد سرزنش قرار می‌دهند که:

"وقتی با جسارت و حدت بی‌سابقه پنجه در پنجه ابرقدرتی چون آمریکا اندازیم (آمریکایی که "بمب اتم و قدرت بی‌پایان ... در چپته‌دارد") چرا نباید لاقط قسمت عمده مسایل و مصائب را ناشی از این حملات و اقدامات دانست؟ (همانجا)

آنها مردم انقلابی ایران را به مسخره می‌گیرند و آن‌ها را به مناسبت برداشتن "لقمه‌های بزرگ از دهان"، استهزا می‌کنند:

"جمله‌های بزرگی که برداشته شد و در مسیر تحول عجیب انقلاب، چه هدف‌های عظیم چون پیروزی دادن مستضعفین جهان بر مستکبرین و منهدم ساختن دولت قاهر غول بیکر آمریکا را اتخاذ و اعلام نمودیم ... پس روی دم پلنگ گذاشتیم."

لیبرال‌ها مردم را "نصیحت" می‌کنند که: "مجرى برنامه‌های آنها و چیزهایی که جلوی پایمان می‌گذارند، مثلا می‌خواهند مار امپریالیسم را به دست ... اسلام و ایران ... بکشند، نشویم" (همانجا)

لیبرال‌ها دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را محکوم می‌کنند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مورد خشم و غضب و توهین و افتراء لیبرال‌ها قرار گرفتند. لیبرال‌ها در اینجا نیز ضدیت آشکار خود را با خط امام نشان دادند و در حالی که امام خمینی

اسطوره مبارزه با سرمایه‌دار معرفی می‌شود. لیبرال‌ها، از اصل "تقدس مالکیت" که به سود غارتگران بزرگ سرمایه‌دار و مالک است، مزایه می‌کنند:

"کار به جایی رسیده‌است که ... در بعضی از نهادها گویی اصل مالکیت به کلی لغو شده‌است و مصادر کرد، کار ساده و بی‌سپا افتاده‌ای شده‌است."

لیبرال‌ها که ظاهراً دم از قانون اساسی و اجرای آن می‌زنند، با اصل مهم ملی شدن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع داخلی، به شدت مخالفند. اصلی که اجرای آن ریشه سرمایه‌داری وابسته و قشر طفیلی و غارتگری را که هنوز در بازار وجود دارد، خواهد کند:

"دولت اگر بخواهد خریدار و فروشنده خوبی باشد که نقض غرض کرده و باری بر دوش خودش اضافه نموده‌است."

لیبرال‌ها، امپریالیسم آمریکا را دشمن نمی‌دانند

لیبرال‌ها، آمریکا را دشمن نمی‌دانند و توطئه‌های جنایتکارانه آمریکا را به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و غرق کردن دستاوردهای انقلاب ایران در خون مردم ایران، "فرضی" و ساخته نیروهای جب اعلام می‌کنند:

"توطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را، که برای آن‌ها اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پیش می‌کشیدند."

(از نامه سرگشاده یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، اواسط مرداد ۵۹)

لیبرال‌ها، به مردم ایران می‌گویند که تمام دشواری‌هایی که آن‌ها متحمل می‌شوند، تقصیر خود آنهاست و اگر با آمریکا چنین رفتار نمی‌کردند و "مقول" تر بودند، به چنین وضعی دچار نمی‌شدند! آنها با آزادی کامل و جراتی بی‌سابقه مردم انقلابی ایران را، که به خاطر کسب استقلال و آزادی

زمین‌بایه هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند، در شاخ آفریقا ما می‌بینیم که سوامالی تبدیل شده به یک تفنگدار امپریالیسم آمریکا - برای فشار آوردن به جمهوری تازه آزاد شده اتیوپی، همه اینها را ما می‌بینیم. ولی به نظر ما دهه آینده دهه بیروزیهای بازم چشم‌گیرتر به سود نیروهای چلقلی در جهان، به سود خلق‌های محروم در دنیا، به سود باز هم بیشتر آزاد شدن تعداد تازه‌ای از این خلق‌ها و به زیان مواضع امپریالیسم خواهد بود. امپریالیسم برای هیچ یک از بحران‌هایی که الان درگیر آن هست، نمی‌تواند راه حلی پیدا کند. چه بحران اضافه تولید، که به صورت بحران بیکاری و وحشتناک درآمد است و چه بحران تورم، یا بحران انرژی هم به این آهانه نمی‌تواند رو برو شد. مسلما در ده سال آینده با تحولات باز هم عمیق‌تری که در مناطق تولید کننده مواد انرژی، بخصوص در کشورهای نفت خیز، می‌شود انتظار داشت، بایستی قبول کرد که بحران انرژی هم دنیای سرمایه‌داری امپریالیستی را دوباره به لرزه در خواهد آورد و بحران اخلاقی و انسانی هم که به طور وحشتناکی این کشورها را گرفته است. تنها چیزی که اینک در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری افزایش پیدا می‌کند، مصرف مواد مخدره است و دزدی و آدم‌کشی و فحشاء. در دنیای مقابل، یعنی در کشورهای سوسیالیستی، وقتیکه ما را آنها نگاه کنیم از پدیده‌هایی مانند مصرف مواد مخدره و فوسا و غیره اصلا اثری نمی‌بینیم. از سوی دیگر، تولید اجتماعی آموزش عمومی، تعداد دانشکده‌ها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، دانشگاه‌ها، تعداد پزشک‌های هر هزار نفر، تعداد مهندس‌های هر هزار نفر، همه اینها در حال رشد بی‌سابقه یعنی رشد شتاب‌گیر است. این جاست سابقه واقعی بین دوسیم جهان، یعنی دو سمت‌گیری جهانی: سمت‌گیری به طرف صلح، آزادی، استقلال و

بیشتر اجتماعی، به طرف نابود کردن استثمار فرد از فرد از یک سو سمت گیری به طرف نگهداری ارتجاع جهانی، یعنی تمام آن بردگی‌های دنیای کهنه، که ریشه اولیه‌اش استثمار فرد از فرد است، و به ویژه غارت و استثمار کشورهای در حال رشد از سوی سرمایه‌داری رشد یافته. به این ترتیب می‌شود این انتظار را داشت که روند تحول تاریخی دنیا که با انقلاب اکتبر در ۶۳ سال پیش آغاز و دهه‌به‌دهه، به ویژه در دوران بعد از جنگ شتاب‌بیشتر شد، در دهه آینده باز هم سریع‌تر در جهت مثبت ادامه یابد. جنگ و نبرد سخت در پیش‌پیش خلق‌های جهان، نیروهای مترقی جهان، هست، ولی دورنمای پیروزی‌های بزرگی هم در مقابل چشمان ما قرار دارد. ما می‌توانیم این وضع را، مثلا با جنگ دوم جهانی مقایسه کنیم، که از سال دوم جنگ، یعنی پس از پیروزی عظیم نیروهای شوروی در استالین‌گراد، پس از شکستی که نیروهای آلمان فاشیستی در آنجا خوردند دورتر می‌شود. جنگ عوض شد. دیگر معلوم بود که آلمان هیتلری با تمام جناسیات و موفقیت‌هایی که می‌توانست نشان بدهد و با وجود آن که قسمت بزرگی از خاک شوروی و تقریبا تمام اروپا را در اختیار خود داشت، ولی می‌رفت به طرف شکست. هر چند ما می‌دانیم که در آن دوران بعد از سال‌های ۴۵-۱۹۴۲ حساب کنیم، می‌بینیم که اضمحلال نیروهای فاشیستی و جنگ دامن‌شتاب می‌گرفت. حالا هم امپریالیسم هنوز بخش عظیمی از سرخوش دنیای محروم را در دست و جنگل خونین خود دارد و به بهره‌کشی بخش عظیمی از مردم جهان دست می‌زند. ولی تاریخ نشان می‌دهد که دیگر ناقوس مرگ امپریالیسم به صدا درآمده است و در دهه آینده با کام‌های بزرگی به سوی نابودی و نیستی خواهد رفت. ادامه دارد"

کارفرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلال می‌کنند

زیادی در سراسر کشور موجودند - که مسئله مالکیت در آنها حل نشده است، و برخی از صاحبان این کارخانه‌ها به انواع توطئه‌ها علیه انقلاب دست می‌زنند. با آنکه نامه‌های شکواییه فراوان از سوی کارگران درج‌راید کشور دیده می‌شود، که خواستار روشن شدن وضع مالکیت در این کارخانه‌ها هستند، اما هنوز حدود مالکیت در بخش صنعتی ناروشن است و همین مسئله دشواری‌های فراوان را در مناسبات کار و سرمایه بوجود آورده است. سرمایه‌داران وابسته‌ای که این روزها کرده‌اند ناما رکسی و پنیر هلندی و ورمیشل ایتالیایی را، اگر از زیر سنگ هم شده، تهیه و به کشور وارد می‌کنند و با بندوبست با طرفهای بازرگانی خود در کشورهای سرمایه‌داری، هر نوع کالایی را با چند دست واسطه تهیه و با قیمت‌های سرسام‌آور به مشتریان طاغوتی خود قالب می‌کنند، آنجا که پای تهیه مواد خام بزمیان می‌آید، کمیتشان لنگ می‌شود و آیه یا سدر گوش کارگران سر می‌دهند و به بهانه کمبود و فقدان مواد، کارگران را به خیابانها می‌ریزند.

اخبار رسیده از برخی کارخانه‌ها، دلالت بر تشدید فعالیت کارفرمایان ضد انقلابی در سواستفاده از مشکلات و ناسامانها؛ برای تعطیل کارخانه‌ها دارد. بهانه‌های توقف و تعطیل گوناگون است: از فقدان وسایل، بدکی و مواد خام گرفته، تا قطع برق و کمبود آن، بهانه تعطیل شده است. تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم:

* کارفرمای شرکت ساختمانی خوردین، جندی بیش‌تر از اطلاعیه‌ای به کارکنان خود ابلاغ کرد که به علت کمبود مصالح ساختمانی و نیز فقدان امکانات، ادامه عملیات ساختمانی متوقف می‌شود و کلیه کارمندان و کارگران شرکت، از این پس سمتی نخواهند داشت. اما کارکنان مدارکسی مبتنی بر دلایل کارفرما در تعطیل کارخانه رفته داده‌اند.

* کارفرمای کارخانه فرش وپتوی ما زندان، در نخستین روزهای آذرماه، کارخانه را تعطیل و در برابر روی کارگران بست.

* کارفرمای کارخانه نساجی شیراز (پارچه‌بافی ایکار) به بهانه عدم امکان در استتار سریع کارخانه، تولید را متوقف داد، اما پس از یکماه، بر اثر فشار کارگران، مجبور به استتار کارخانه شد.

* شرکت ما تا در جوکای گیلان، بعلمت ناسامانهای ناشی از عملکرد مدیریت در شرف تعطیل است.

* کارخانه تومبیل سازی (سایپا) جندی است که عملاً متوقف شده. در این کارخانه ۲۲۰۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند کار می‌کنند. مواد اولیه کارخانه، که قبلاً از فرانسه تأمین می‌شده، پس از انقلاب، بدنیال محاصره اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم آمریکا، با تاخیر، کسری و توأم با غایب‌توسط فرانسه تأمین می‌شود و مدیران کارخانه عملاً مانع از عقد قرارداد جدید با سایر کشورهای هستند.

این بود مستی از خروار

توطئه کارفرمایان ضد - انقلابی، بلافاصله پس از انقلاب آغاز شد، زمانی که عده زیادی از آنان، ماشین‌ها و مواد اولیه را به یول تبدیل کردند و از کشور گریختند و آنها هم که ماندگار شدند، به کار رکنی در تولید ادامه دادند. با ملی شدن کارخانه‌های بزرگ، بخش اعظم کارخانه‌ها به مالکیت دولت درآمدند، ولی هنوز کارخانه‌های

دستفروشان را دریابید!



اولین نظاره‌کارگران شرکت هوجتیم به همراه ۱۵ تن از شرکت اخراج می‌شود. بعد از انقلاب که کلیه کارگران با خرید می‌شوند، به او هیچ چیز داده نمی‌شود. درآمدش کفاف مخارج زندگی را نمی‌کند. در پاسخ این سؤال که: از انقلاب چه انتظاری دارید، چنین گفت:

"ما از مسئولان امر می‌خواهیم که با ایجاد کار برای بیکاران و هم-چنین قرار دادن وام در اختیار آن-هایی که استطاعت آن را دارند که کارگاه‌های تولیدی و خدمات دایسر کنند، قرار دهند."

این‌ها نمونه‌هایی بود از خیل عظیم بیکاران، که مشغول دستفروشی در بندر بوشهر هستند. به این‌ها باید گروه بی‌شمار میوه‌فروشان و تعویض روغنی‌ها، ... که در حاشیه خیابان-ها مشغول کارند، اضافه کرد.

زندگی دستفروشان نیز مانند دیگر زحمتکشان و محرومان جامعه بسیار اسفبار است. آن‌ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آن‌ها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می‌خواهند. امیدواریم که مسئولان امور به خواست‌های به حق دستفروشان پاسخ مثبت دهند.

بعد از تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بروج عظیم بیکاران افزوده گردید. و این امر می‌تواند حربه قوی برای سوءاستفاده ضد - انقلاب باشد. به همین جهت لزوم اقدامات قاطع و بنیادی از طرف دولت در جهت حل این معضل عظیم، باید انجام گیرد، تا ضدانقلاب را در این عرصه با شکست روبرو سازد.

زحمتکشان دستفروش در واقع گوشه‌ای از دریای عظیم بیکارانی هستند که برای به دست آوردن حداقل هزینه زندگی به این کار روی آورده‌اند. در حاشیه خیابان‌های بندر بوشهر، قبل از گشوده شدن مغازه‌ها، دستفروش‌ها بساط خود را بهین می‌کنند و مشغول کسب می‌شوند. چهره‌های گرم‌زده و آفتاب سوخته آنها نشانی از خستگی کار روزانه در زیر آفتاب داغ دارند. با آنها که به صحبت می‌نشینیم از مشکلات خود می‌گویند: از بیکاری و کمبود درآمد و گرانی و ... گرفته تا نداشتن مسکن و تأمین زندگی آتیه. با یکی از آنها به صحبت می‌نشینیم نامش محمد است. وی مجرد است، ۳۵ الی ۳۵ سال سن دارد. شروع به صحبت می‌کند:

"۴ الی ۵ سال است که دست-فروشی می‌کنم و در خانه اجاره‌ای بسر می‌برم. او در مورد مخاطراتی که به علت بی‌سپاری، از آن جمله خطرزدیدن اموالش وجود دارد، سخن می‌گوید و سپس ادامه می‌دهد:

"هیچ‌گونه سندیکایی سازمانی برای احقاق حقوق خود نداریم. از این طریق کسب و کار ناراضی هستیم و اگر مقامات مسئول کاری را برای ما در نظر بگیرند، حاضریم دهکده‌های خود را تعطیل کنیم".

درباره انقلاب از او می‌پرسیم، می‌گوید: "ما اکنون آزاد هستیم و می-توانیم خواسته‌های خود را به گوش مسئولین برسانیم." غلامرضا رضایی، یکی دیگر از دستفروش‌های حاشیه خیابان است. لباس و بارجه و از این قبیل چیزها می‌فروشد. او نیز چهار الی پنج سال است که مشغول دستفروشی است. متاهل است و چهار فرزند دارد. در آمد او نیز کفاف مایحتاج زندگی را نمی‌دهد. از گرانی و کمبود احتیاجات روزانه ناراحت است. درباره کار ثابت می‌گوید:

لیبرال‌ها ...

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام را، که لانه جاسوسی آمریکا را تخبیر کردند و جرکاب متعفن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون ریختند و با افشای اسناد لانه جاسوسی نقاب از چهره‌های بسیاری دریدند، "فرزندان عزیزی که ملت را سرافراز کردند"، نامید، لیبرال‌ها آن‌ها را مورد توهین قرار دادند:

"اسم خودشان را می‌گذارند خط امام، خط شیطان‌اند اینهایی که افشا می‌کنند، آخه فلان فلان شده‌ها ... بی‌شرف‌اند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکایی‌ها راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم. اینها ضد انقلابند."

(ارسخرانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، در روز ۱۹ اسفند ۵۸ در مسجد جامع نارمک)

لیبرال‌ها، از همان روز نخست با مجارات ضد انقلابیون و جنایتکاران رژیم پهلوی مخالفت کردند و عمل دادگاه‌های انقلاب را

"بی‌آبرویی برای ما دردنیای" (ارسخرانی رادیو تلویزیونی ۲۳ اسفند ۵۷) نامیدند و از "لذت عفو" دم زدند: "انتقام بس است، به حد کافی انتقام گرفتیم."

آنها گفتند: "به این آسانی که بعضی از دادگاه‌های ما انسان (!) را اعدام می‌کنند، گوسفند را هم سر نمی‌برند."

اما لیبرال‌ها که چنین نسبت به جنایتکاران و کودتاجیان قلب بخشنده دارند و از شنیدن نام "آزادی" از خود بی‌خود می‌شوند، وقتی پای "آزادی فعالیت نیروهای انقلابی، بویژه حزب توده ایران، به میان می‌آید، به خشم و نفرتی کنترل ناشدنی دچار می‌شوند و حتی "گویند آنها در هاون" از ذهن‌شان می‌گذرد.

لیبرال‌ها زمانی که در قدرت بودند، تلاش می‌کردند با این ادعای مضحک که "حزب توده ایران به موجب قوانین پیشین غیر قانونی است و تا این قوانین لغو نشده‌اند، به قوت خود باقیند"، از فعالیت آزادانه حزب توده ایران ممانعت کنند.

آنها طی دویاری که ارگان مرکزی حزب توده ایران بی‌دلیل توقیف شد، نه تنها به این عمل "خلاف قانون اساسی و ضد آزادی"، اعتراض نکردند، بلکه اظهار شادمانی کردند.

این تصویر کوتاه، ولی دقیق، واقعیت کامل جامعه‌ای است که لیبرال‌ها در صدد ایجاد آن هستند. هشیار باسیم!

افشا کنند و مانع از اجرای آن شوند. خطاب ما به مسئولان ملکیتی است که با روشن ساختن حدود مالکیت در بخش صنعتی، به ملی کردن کارخانه‌های غیرمشمول

اقدام کنند. ضمانت‌دولت می‌تواند با وارد کردن مواد اولیه از کشورهای که خواهان مناسبت عادلانه و برابر حقوق بازرگانی

سود انقلاب در این است

* ادامه فعالیت هیئت های هفت نفری * ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی

طرح شورای انقلاب در مورد واگذاری و احیاء اراضی، که تا تاخیر، اما بر بار، به سود انقلاب و استقلال و آزادی ایران و در جهت رشد اقتصادی کشور به تصویب رسید، و با امضا و تأیید آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی، یکبار دیگر خط بیرون اسلام راستین، خط خلقی امام خمینی را از خط روحانی-نمایان و وعاط السلاطین جدا کرد. خون تازه ای در رگ های دهقانان رحمتکش به جریان انداخت و گام مهمی به سوی تعمیق انقلاب و نیل به هدف های اساسی آن به شمار رفت. دهقانان بی زمین و کم-زمین، این دستها و بازوهای رنج و کار، با جان و دل از تصمیم شورای انقلاب دایره به ریشه کش کردن فتوای لیسیم پشتیبانی کردند. آنها به عیان دریافتند که ادامه انقلاب دست غارتگران و غاصبان را در تمام سطوح با قدرت و توانمندی قطع می کند، زیرا منطبق به رنج-دیدگان و محرومان است و حاصل یک عمر مشقت و رنج دهقانان را با آنها باز می گرداند و حق را به حق دار می رساند. دهقانان به درستی از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلفی خود انتظار انجام اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی را داشتند و دورنمای اجرای آن را دیدند.

رهنمود امام خمینی در مورد سربردن حق تصمیم گیری برای واگذاری و احیاء ارضی به آیت الله منتظری و آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی و نتیجه جلسه مشترک این سه فقیه، منت محکمی بر دهان مالکان بزرگ و بخصوص روحانی نمایان جیره خوار فتوالات زرد و لیسرال های را، که همدست غارتگران اند و از زمان دولت موقت خرابکاری می کردند، به جای خود نشاند.

نهادهای انقلابی تازه، فعال، مردمی، متکی به مردم و خصم زورگویان مجبر و غنی تر شد.

در سراسر میهن انقلابی، هیئت های هفت نفری شروع به فعالیت کردند. در هر محل دو نفر از اعضاء هیئت به انتخاب خود دهقانان برگزیده می شدند و ۵ تن دیگر نمایندگان نهادهای انقلابی و ادارات دولتی مسئول بودند. هیئت های ۷ نفری، مأمور اجرای قانون واگذاری زمین مصوبه فروردین ۵۹ و آیین نامه اجرایی اردیبهشت ۵۹، در کنار نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی و پاسداران مردمی، برای ریشه کش کردن بزرگ مالکی به پا-خاستند و با تأیید امام خمینی و پشتیبانی میلیونی دهقانان کار خود را دنبال کردند. در برابر این جنبه انقلابی و تحول بخش، یک جنبه ضد انقلابی و بازدارنده قد علم کرد. زمین داران بزرگ و محافظان آنها و روحانی نمایان وابسته به آنها مخالف با خط امام و لیسرال های دستیار آنها و موافق با سلطه صاحبان زور و زر از هیچ توطئه ای رویگردان نشدند. این پایگاه امپریالیسم و ضد انقلاب با اعمال انواع فشارها کوشیدند تا با تأخیر و توقف به روند انقلاب ضربه زد و آنرا، به منزله عقب نشینی و عدم کارایی نهادهای انقلابی و نمود سارد. از این راه آنها کوشیدند تخم یاس و نومییدی در میان دهقانان بپراکند و انقلاب را تضعیف و سالوده حاکمیت و مالکیت غاصبان خود را مستحکم کنند. در این شرایط است که اطلاعیه ستاد مرکزی هیئت های هفت نفری در مورد توقف، هر چند موقتی، اجرای بند "ج" طرح

واگذاری زمین مسخر شد و باعث ناسف گردید. عدم اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب، حتی به صورت تعویق موقتی، در جهتی است که نمی تواند نیازهای مردم انقلاب را برآورده سازد و به حل یکی از حاد ترین مسائل میهن انقلابی ما کمک کند. برعکس، می تواند دستاویز و بهانه ای برای ادامه جباولگری و غارت بزرگ مالکان و غاصبان قرار گیرد، در صورتی که همه می دانند - همان طور که امام خمینی گفته اند - غالب این مالکیتها از طریق تسد ساری و تصرف عدوانی به دست اربابان افتاده است و در واقع اکثر زمین های اربابان مشمول بند "ب" می شود، اکثر این زمین ها یا غصبی است یا نعمدا به غیر گشت نمی رود. سایر این عمل هیئت های هفت نفری در آنها کاملاً ضروری است.

در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما به جنگ با امپریالیسم و مصادم مشغول است، باقی گذاشتن این اراضی در دست اربابان به اسم توقف بند "ج" به خودکفایی کشاورزی و استقلال اقتصادی ضربه خواهد زد. بدون یک برای مسئولین صادق و با حسن نیت واگذاری زمین این شبه وجود ندارد که می توان یکجای را رام کرد و با عدم اجرای بند "ج" زمین داران بزرگ را گویا می توان تسویق کرد که به خودکفایی کشاورزی کمک کنند. آنها به درستی می دانند که این غارتگران هرگز به فکر آن نیستند که عدم برداشت محصول در مناطق جنگی را جبران کنند. آتش ردن خرمن ها، تخریب کشتزارها و نلمه ها و خراب کاری های عدیده شان داده است که نبض اربابان غارتگر برای نظام بوسیده ناهی و آمریکایی

می سید. همین احیرا وزیر کشاورزی به درستی اخطار شدیدی داد و عمل فتوالات را ضد انقلابی دانست.

واقعیت این است که سربردن مجدد بخش عظیمی از تولید کشاورزی کشور به دست بزرگ مالکان تهدیدی عظیم برای استقلال اقتصادی میهن ماست. آنها برای ضربه زدن به انقلاب، با سوء استفاده از مشکلات شرایط جنگی و کمبودها و بهانه های مختلف، از زیرکست بردن اراضی سرباز می زنند. ادامه مالکیت آنها آشکارا به زبان انقلاب و اقتصاد ما و میلیون ها ایرانی است.

تعویق موقتی بند "ج" نباید بهانه ای به دست این غارتگران برای جلوگیری از اساسی ترین برنامه های انقلاب شود. نباید گذاشت که این طاغوتیان استثمارگر مثل خوره به جان جمهوری اسلامی ایران و اهداف خلقی آن بپسند و با کمک لیسرال ها، این موربانه های انقلاب و روحانی نمایان، این آفات نابود کننده انقلاب، ترمات آن همه ایثار و مقاومت را به باد دهند.

توقف در اجرای بند "ج" طرح شورای انقلاب در عمل نمی تواند مانع واگذاری اکثر اراضی زمین داران بزرگ به دهقانان بی زمین و کم زمین شود، زیرا در واقع اکثر این اراضی مشمول بندهای الف و ب می شوند و نا هنگامی که این تعویق موقتی ملیتی شود، وظیفه انقلابی هیئت های هفت نفری است که عملاً غصبی بودن اکثریت مطلق اراضی بزرگ مالکی با کسب شدن کامل و کافی آنها و با برگرداندن تعدادی از آنها و پاک کاری بر روی آنها را ایات کند و زمین ها را به دهقانان واگذار نماید.

در شرایطی که ضد انقلاب از خارج و داخل کشور علیه انقلاب فعالیت گسترده ای را آغاز کرده است، نباید اجازه داد که لیسرال ها، عوامل مالکان بزرگ، محافظان، روحانی نمایان، که همه در جهت مخالفت خط امام و اهداف انقلاب عمل می کنند، موفق به "آزاد" گذاشتن غاصبان و غارتگران درمکیدن خون دهقانان زحمتکش شوند.

انقلاب ماهیمن درایت رهبر انقلاب و فعالیت ملیونها دهقان زحمتکش و هشیاری مسئولان انقلابی معهد اجازه خواهد داد که شبهه عدم اقتصاد کشور در دست های جباولگر مالک و فاسد فتوالات بزرگ فرار گردد.

نیاز انقلاب ما و ضرورت شرایط بسارحساس ناشی از جنگ و تسدید توطئه های امپریالیسم آمریکا، حکم می کند که با ادامه اجرای کامل طرح شورای انقلاب، دسیسه مالکان بزرگ در نطفه خفه گردد و زمین به صاحبان اصلی آن برگردانده شود و ملیونها دهقان زحمتکش و ستم دیده به انقلاب امیدوار شوند.

مالکان بزرگ، پایگاه امپریالیسم و ضد انقلاب، غارتگر و زورگو، مانع رشد اقتصادی، خرابکار در جنبه و نت حربه هستند.

دهقانان زحمتکش پایگاه نیرومند انقلاب، ستون مهم ارتش بیست میلیونی هستند، رنج دیده، ولی صاحب حق هستند، در رشد تولید و گشت بیشتر دنیف هستند وجه در سگر و جه در کشتزار نیروی مهم مقاومت در برابر تجاوز و توطئه شمار می رود.

هر قدر زودتر دوره موقت تعویق اجرای بند "ج" پایان یابد، بیشتر به سود انقلاب است.

هیئت های هفت نفری هر قدر بیشتر مورد حمایت نهادهای انقلابی و مسئولان آگاه قرار گیرند، بیشتر سود انقلاب است.

ادامه فعالیت هیئت ها از هم اکنون و در تمام مناطق مساعدودر مورد بدنهائی ارتان، که می تواند غالب اراضی مالکین بزرگ را بر برگرداند، به سود انقلاب است. بزرگ مالکی باید حتما و کلاً ریشه کش شود. این وظیفه، حتمی و ناگزیر انقلاب و شرط مداوم، سلامت و پیشرفت آن است.

هیئت های هفت نفری، به عنوان یکی از ستون های محکم و استوار انقلاب شگوه مند ما، در خدمت به توده های محروم روستا و مقابل با بهره کشی و ظلم و جور غاصبان و بزرگ مالکان از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و در اجرای سخن امام خمینی، که فرمود: "حقوق حقه مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین پس داده می شود"، به جان کوشیدند. در عمل انقلاب ما در سیر ظفر مند خود بایک

اراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی فراوانند

مهرچه سریعتر این قانون را به اجرا در آورید

روستای گلستانه، واقع در بخش طفرود خلیجستان و از توابع شهرستان قم است. این روستا تا مرکز بخش ۵ کیلومتر فاصله دارد.

در روستای گلستانه در تابستان ۲۵ خانوار زندگی می کنند و در زمستان، به خاطر درس بچه ها این عده به ۱۳ خانوار تقلیل می یابد. اهالی روستای گلستانه به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند. تعداد خانوارهای کشاورز ۱۲ تا است.

در روستای گلستانه ۴ خانوار فاقد زمین هستند و نصفه کاری می کنند. سایر خانوارها همگی کشاورز هر کدام بین ۳ تا ۲۰ هکتار زمین دارند. زمین بایر بسیار زیاد و در مقابل آن آب برای آبیاری بسیار کم است.

آقای حسن باقری می گوید:

"۱۰۰ جوان بی کار این روستا در قم هستند. اگر آب در ده باشد، دیگر به قم نمی روند و نیز عده ای از جوان ها در شهر یار صیفی کاری می کنند.

روستای گلستانه فاقد درمانگاه و دیگر امکانات درمانی است و فقط پزشک از سوی جهادیه این روستا اعزام می شود. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه یعنی گازرون ۱۸ کیلومتر است. روستای گلستانه همچنین آب لوله کشی ندارد و آب مصرفی اهالی از قنات تامین می شود. در این روستا شورا تشکیل شده است. قنات روستا به وسیله جهاد لایروبی شده است. روستا مدرسه دارد، ولی معلم ده هفته ای دوروز می آید و بچه ها به طور پیگیر آموزش ندیده اند. یکی از اهالی روستا دیپلم دارد و بیکار است و حاضر است معلم روستا بشود.

اینکه متأسفانه اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی موقتا به تأخیر افتاده است، باید هر چه بیشتر از هیئت های هفت نفری حمایت کرد، تا آنها فعالیت خود را ادامه دهند و به اجرای

پیاز کاران آذربایجان شرقی



در آذربایجان شرقی ۶۰۰ هکتار زمین زیر کشت پیاز است، که یک چهارم نیاز کشور را برآورده میکنند. اما سطح تولید پائین است، وسایل کار نیست، شرکت تعاونی نیست، واسطه ها بیسداد می کنند، شرایط زندگی و تولید نامناسب است. به این دهقانان باید کمک کرد تا تولید را بالا ببرند و اقتصاد سالمی را پایه ریزی کنند. هر کیلو محصول بیشتر، ضربه ای است به توطئه آمریکا!

دهقانان زحمتکش! دفاع از زمین و درهم شکستن توطئه آمریکا به معنای تولید بیشتر و کشت بیشتر پیاز

هست. یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بزمین فرو می رود سر نیزه ای است به قلب دشمن

صدا

خرمگس:

دست نشستن از زندگی خود بخاطر مردم



آرتور در زندان

به آن کودگانی که گل سرخ می افشانند نگاه کن ، و به آواژان ، اکردلینشین است ، گوش فراده : بخاطر آنان است که دهان من مملو از خاک است ، و سرخی آن گل های سرخ از چشم های قلب من است ، زیرا چنین آمده است : " برای انسان عشقی و لاتر از آن نیست که بخاطر بار بارش دست از زندگی خود بشوید ."

(خرمگس ، ترجمه فارسی ، چاپ دوم ، صفحه ۲۷۲)

با این سخنان ، نسلی از انقلابیون ایران زیسته اند ؛ در لحظه اعدام ، صدای صدای "خرمگس" انداخته اند ، و همچنان که در شب های تیره ستم و خفقان ، کتاب ممنوع "خرمگس" را در جانی پنهان می کرده اند و با بدستی می رسانده اند سرشار از نیروی که از ذرات حماسه "خرمگس" میترواد ، برای لحظه های رویارویی با دژخیم آماده شده اند .

اکنون این کتاب ، اثری که نام "اتل لیلیان و وینیچ" (۱۸۶۴-۱۹۶۵) نویسنده انگلیسی را در ایران پرآوازه ساخت و کمترین انقلابی ایرانی است که چنان دیگر انقلابیون جهان آنرا خوانده باشند ، بصورت فیلمی که در اتحاد شوروی ساخته شده ، بر پرده سینمای "عصر جدید" در تهران است .

انبوه تماشاگرانی که حتی ایستاده فیلم "خرمگس" را تماشا میکنند ، نشان میدهد که پیوند این اثر با نسل جوان برآمده از انقلاب ناگسسته است ، نسل که صدها و هزاران نفر از آن ، حماسه هائی چون "خرمگس" آفریده اند ، با زهم از این اثر حماسی نیرومی گیرند ، تا به نبرد سترگ خود ادامه دهند .

دژ "خرمگس" از "ایالتیای جوان" در سال های ۳۰ تا ۴۰ قرن نوزدهم باز آفرینی شده است ، در آن دهه ، پس از زلزله و قمع ارتش ناپلئون سراسر ایالتیایبه هشت کشور جداگانه تقسیم شده بود ، و ایالتیای علا در اشغال ارتش اتریش

بود ، رئیس کلیسای کاتولیک ، پاپ رم ، از اشغالگران اتریش حمایت می کرد و خلق ایالتیای با هر دو نیرو می رزمید . در سال ۱۸۴۱ "ژوزف مازینی" انقلابی مشهور ایالتیای ، که از میهن خود رانده شده بود ، سازمان مخفی "ایالتیای جوان" را پایه گذاری کرد ، ایسن سازمان در سال ۱۸۷۰ توانست دشمن را براند و ایالتیای را متحد کند .

رمان در سال ۱۸۳۳ آغاز میشود ، در این اثر خواننده با "آرتور" جوانی آشنا میشود که فرزند نامشروع یک کشیش عالی مقام در پیزا - که یکی از شهرهای قدیمی ایالتیای - است ، این جوان ، که در دامان کلیسای کاتولیک رشد یافته با سازمان "ایالتیای جوان" آشنا میشود و به آن می پیوندد ، در این سازمان دژخیمی

باید با نمایش فیلم انقلابی «خرمگس» از تلویزیون، آن را از محدوده روشنفکران خارج و شور حماسی آنرا به توده ها منتقل ساخت.

است بنام "جما" ، که "آرتور" او نفرت میورزد ، و سپس عشق دل درگرو عشق او دارد ، سومین شخصیت اصلی داستان "آرتور" ، همان کشیش عالی مقام است ، داستان بر سه محور اصلی به موازات یکدیگر پیش می رود : فعالیت انقلابی "آرتور" ، عشق "جما" و عشق و نفرت شفت "آرتور" به پدر "مونتانی" . بعد از آنکه پدر "مونتانی" از طرف پاپ به رم احضار میشود ، کشیش دیگری بجای او می آید و پدر "مونتانی" مراقبت از روح "آرتور" جوان را به اومی سپرد ، این کشیش برخلاف پدر "مونتانی" ، که از نظر شخصی انسان و نیکوکار بود ، یکسره جاسوس دستگاه تفتیش عقاید کلیسا است . "آرتور" نزد او اعتراف می کند و نام رهبر سازمان را می گوید . شب بعد ، در حالیکه "آرتور" می بیند ، پدر "مونتانی" آنها را لو داده ، اعضای سازمان دستگیر میشوند ،

بعد از آزادی "آرتور" ، همه او را چشم یک خائن نگاه می کنند و از خود می رانند . "آرتور" در نامه ای می نویسد که خودکشی کرده و به آمریکا لاتین می رود و ۱۳ سال در آنجا بسر میبرد ، اما جرای این ۱۳ سال را خانم "لیلیان" وینیچ در رمانی بنام "دوستی گسیخته" شرح داده است . هنگامیکه او بر میگردد ، یک انقلابی تمام عیار است که با نام قلبی "میوریوارز" بعنوان یک خارجی در ایالتیای می گردد و با نام مستعار "خرمگس" از رهبران جنبش است و هیچ کس نمیداند ، برستی او کیست ، در رمان بویژه رابطه دوگانه "آرتور" با پدر "مونتانی" ، که از سویی در آتش عشق پدری اش میسوزد و از سوی دیگر بخاطر آنکه در خدمت ظلم است ، به البته به آسانی میتوان از این زیبایی هنری بخاطر روح انقلابی فیلم صرف نظر کرد .

اما آنچه باید بویژه به آن توجه کرد - و آرام آرام دارد بار دیگری میگیرد - سلاخی فیلم توسط قیچی سانسور است ، در شرایطی که طبق قانون سانسور سانسور سانسور ممنوع است و هیچ دستگاه رسمی هم برای سانسور فیلمها وجود ندارد ، سانسور آنچه دلش خواسته بر سر فیلم آورده است ، تردیدی نیست که میباید - البته طبق قانون - صحنه های ضد انقلابی و غیر اخلاقی حذف شود ، ولی صحنه های انقلابی چرا باید سانسور شود؟ مثلا از صحنه بسیار طولانی ملاقات "خرمگس" با پدر "مونتانی" در زندان ، تنها چند پلان کوتاه باقی مانده و سخنان "آرتور" کاملا - بغیر از یک جمله - یا حذف شده و یا تغییر پیدا کرده است ، همین کار در مورد سخنان پدر "مونتانی" هم انجام شده است ، در نتیجه ، نه تنها پدری شریکی که پدر "مونتانی" در آن ، با اعدام "خرمگس" موافقت کرده ، غیر ممکن شده است ، بلکه شخصیت "آرتور" نیز کاملا تغییر کرده و به ضد خود تبدیل شده است ! (برای درک مطلب بایست از تماشاگران و خوانندگان

همکاریهای نظامی گسترده رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق با عربستان سعودی بر زمینه ایجاد پیمان نظامی امریکا فرموده در منطقه خلیج فارس

شاهزاده فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی ، در آخرین روز دیدار خود از پاکستان ، در مصاحبه با خبرنگار اردویی پاکستان اظهار داشت : «علیرغم فاصله جغرافیایی میان دو کشور ، ما مانند یک روح و یک جسم متحد هستیم» .

ولیعهد عربستان سعودی ، ضمن اطمینان دادن به پاکستان در مورد کمکهای نظامی رژیم عربستان به رژیم دست نشانده ضیاءالحق ، گفت : «هرگونه آسیبی که به پاکستان وارد آید ، مداخله در عربستان سعودی تلقی خواهد شد» .

دیدار فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی از پاکستان ، که بدینال مسافرت چندی پیش وی به امارات عربی و شیخ نشینان این منطقه انجام گرفته ، دارای هدف مشترکی است . ولیعهد عربستان سعودی در مسافرت خود به کشورهای ساحل خلیج فارس ، مسئله ایجاد یک پیمان نظامی را مطرح ساخت ، که رژیمهای دست نشانده آمریکا در این منطقه را دربر خواهد گرفت . وی در دیدار خود از پاکستان نیز از اتحاد نظامی دو کشور و کمکهای نظامی عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق سخن میگوید .

با توجه به نقشی که عربستان سعودی در این منطقه در اجرای برنامه های نظامی و تدارکات جنگی امریالیسم امریکا ایفا میکند ، موافقتی و قراردادهای نظامی که میان عربستان سعودی با پاکستان و دیگر رژیمهای سرسپرده امریکا منعقد میگردد ، در واقع مأموریتی است که از جانب وزارت دفاع و دواجر جاسوسی امریکا به عهده این کشور محول شده است .

همچنانکه در مقالات مربوط به تندیدو توسعه تدارکات جنگی و حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در نامه «مردم» خاطر نشان شده است ، امریالیسم امریکا پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم چین ما و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران ، توطئه ها و فعالیت های نظامی خود در این منطقه را بمنظور تهدید به مداخله نظامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تهدید وضعیت جمهوری دمکراتیک افغانستان ، کشورهای عضو جبهه پایداری سوریه ، الجزایر ، لیبی ، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین ، همزمان در دو دست به مورد اجرا میکند ؛ از یکسو تفرکز واحدهای بزرگ نیروی دریایی و هوایی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و استقرار واحدهائی از نیروهای واکش سریع ، در پایگاههای نظامی امریکا در این منطقه ، و از سوی دیگر تقویت و گسترش کمکهای تسلیحاتی و نظامی امریکا به رژیمهای ضد خلقی دست نشانده و پیمپیوندی سیاسی و نظامی این رژیمها بمنظور اجرای توطئه ها و عملیات مشترک تجاوزگرانه علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه .

طبق همین برنامه است که بویژه طی سال جاری دیدارهای مقامات رسمی رژیمهای دست نشانده امریکا و مذاکرات آنان در باره همکاریهای نظامی و قراردادهای جدید تسلیحاتی افزایش یافته و پیشنهادهای متعددی درباره ایجاد یک پیمان نظامی جدید با شرکت رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امریالیسم امریکا مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است .

در مورد همکاریهای نظامی و سیاسی نزدیک میان عربستان سعودی و پاکستان باید خاطر نشان کرد که این همکاری از سال ۱۳۴۶ ، که یک قرارداد نظامی دو جانبه میان دو کشور بسته شد ، بنحوی چشمگیر گسترش یافته . این قرارداد نظامی در سال جاری تمدید گردید .

پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان ، کشور پاکستان به کانون توطئه و تمرکز عناصر و گروههای ضد انقلابی افغانی تبدیل شد و اردوگاههای فراوان افغانی ، پسرپرستی مأموران «سیا» و مستشاران در یازمین چین ، که چندی پیش در راس یک هیئت نظامی

نظامی امریکائی و چینی و پاکستانی در خاک پاکستان دایر گردید ، رژیم عربستان سعودی نیز ، با توصیه دولت امریکا ، هزینه این اردوگاهها را بعهده گرفت . ضیاءالحق ، دیکتاتور پاکستان ، در سفر خود به عربستان سعودی (۸ مرداد ماه ۵۹) از دولت عربستان سعودی تقاضا کرد که هزینه های تسلیحات و تجهیزات نظامی امریکا را ، که به پاکستان ارسال شده است ، پرداخت کند . در مقابل این کمک ، رژیم پاکستان یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان را بمنظور تقویت نیروهای امنیتی عربستان سعودی به آن کشور اعزام کرد . چندی پیش نیز ۴۰۰ نفر از فرستادن و تکنیسین ارتش پاکستان جهت گسترش و بازسازی تاسیسات نظامی به عربستان سعودی اعزام شدند و عربستان سعودی ، در مقابل ، یک میلیارد دلار به پاکستان پرداخت کرد .

چندماه قبل آتشاهی ، وزیر امور خارجه پاکستان ، خدمتگزار رژیم ضیاءالحق را ، بعنوان زاندارم منطقه ، به کشورهای عربی صادر کننده نفت اعلام کرد و گفت : «اگر کشورهای منطقه خلیج فارس ۵ میلیارد دلار اعتبار به پاکستان بدهند ، پاکستان حاضر است پاسداری از منافع نفت این کشورها را بعهده بگیرد» .

از سوی دیگر ، چین نیز دوز بروز به نفوذ سیاسی خود در پاکستان می افزاید و رژیم ضیاءالحق را ، به عنوان مناسبترین متفق خود در توطئه ها و تحریکات نظامی علیه کشور مستقل هند و جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران ، از لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت می کند . رهبری چین تلاش دارد که ، همراه با امریکا ، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق را به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز در این منطقه تبدیل کند .

در پانزادار لونا لوتشنگ ، کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین ، که چندی پیش در راس یک هیئت نظامی

به پاکستان سفر کرده بود ، اظهار داشت : «ناوگان دریائی پاکستان باید نقش مهمی را در اقیانوس هند ایفا کند» .

وی افزود : «عملیات مشترک ناوگان چین و پاکستان در این منطقه امکان پذیر است» .

باتوجه به همکاریها و فعالیت های سیاسی و نظامی دامنه داری که طی یکسال اخیر میان کشورهای مصر ، عربستان سعودی ، عراق ، عمان ، اردن ، پاکستان ، سوئالی و کنیا انجام میگردد و باتوجه به اینکه همه کشورهای یاد شده مستقیم و غیر مستقیم ، مورد حمایت امریکا هستند و ایالات متحده امریکا با اکثر این کشورها قراردادهای نظامی و تسلیحاتی دارد ، به آسانی میتوان دریافت که امریالیسم امریکا ، برای جریان ضربات سنگینی که بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آن در نتیجه پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران و از دست دادن بزرگترین پایگاه منطقه در میان ، وارد آمده ، تلاش دارد که هم در زمینه ضد خلقی و دست نشانده در منطقه را در یک پیمان نظامی - سیاسی متحد سازد . تردیدی نیست که نخستین و عمده ترین آماج چنین پیمانی جمهوری اسلامی ایران ، جمهوری دمکراتیک افغانستان ، کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای مستقل ملی در منطقه خواهد بود .

بر زمینه این نقشه های تجاوزگرانه امریالیسم امریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امریالیسم امریکا است که پیشنهادهای دولت اتحاد شوروی ، که از جانب لئونید برزوف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و سدرهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی ، هنگام دیدار از هند اعلام گردید ، حائز اهمیت فراوان برای حفظ صلح و امنیت در منطقه و پاسخگویی منافع حیاتی کشورهای مستقل ملل و خلفای منطقه است .

آیت‌الله دکتر بهشتی:

همواره با توطئه دشمن روبرو خواهیم بود

هرگونه عمل جدایی افکن میان روحانیت متعهد و مسئول و شما ملت قهرمان را محکوم می‌کنیم

آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود گفت: «بی شک دشمن دست از توطئه چینی بر نمی‌دارد»

دکتر بهشتی که در حضور خبرنگاران خارجی و داخلی سخن می‌گفت ضمن اشاره به اینکه توطئه‌های دشمنان انقلاب برای درهم شکستن انقلاب کماکون

باشکست مواجه شده گفت: همه ملتها، مسئولان ما، نسل عزیز جوان ما، اینها باید بدانند که ما همواره با توطئه دشمن روبرو خواهیم بود و برای خنثی کردن آنها باید آگاهانه، صمیمانه و با پیوستگی هر چه بیشتر تلاش کنیم.

دکتر بهشتی همچنین در پاسخ سئوالی پیرامون سرمقاله میزان

که طی آن آمده بود حمله به عددهای از روحانیت، حمله به تمام روحانیت نیست، گفت: «روحانیت می‌داند اینجا و یاد گرفته است که از حمله به این عده از روحانیون، منظور اینست که روحانیت در مجموع نقش مهمی نداشته باشد. پاسخ اینرا هم روحانیت تاکنون داده هم ملت، و پاسخ من دیگر لزومی ندارد.» آیت‌الله دکتر بهشتی درباره پیشنهادی لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی پیرامون صلح و امنیت منطقه خلیج فارس و تیروهای ملتهای همسایه تکیه خواهیم داشت.



تامایونداز فضاورد کوبانی، که همراه یوری رومانکو فضاورد شوروی، با «سایوز ۲۸» به فضا رفت و در ۱۵ مهر ۵۹ به زمین بازگشت. اعضاء خانواده و دوستان، از فضاوردان بگرمی استقبال کردند.

دبیر کل حزب کمونیست یونان اکثریت قاطع مردم یونان با کشانده شدن به ماجراجوئی‌های آمریکا و ناتو مخالفند

فلورا کایس دبیر کل حزب کمونیست یونان در مصاحبه با روزنامه نویسن دوچلند ارکان مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان تلاش هئی را که هدف آن وارد ساختن یونان به سیاست خنجر نازک بلوک ناتو است، محکوم کرد. وی بویژه یادآور شد تصمیم در مورد بازگشت یونان به جناح نظامی ناتو، در مرحله کنونی که اوضاع جهان متشنج شده است، با منافع خلق یونان مغایرت دارد.



دبیر کل حزب کمونیست یونان گفت: «رود دوباره یونان به جناح نظامی ناتو، و اشاعه قراردادهای جدید نظامی با آمریکا در رابطه با اجرای طرحهای تجارگزارانه استراتژیک آمریکا صورت می‌گیرد که هدف آن در درجه اول خاورمیانه و خلیج فارس است.»

بازدید لئونید برژنف از هندوستان برای جریان تشنج زدائی در سراسر جهان اهمیت دائمی و فنا ناپذیر خواهد داشت

بریک کارمل رهبر افغانستان طی یک مصاحبه باخبرگزاری بآختر و رادیو تلویزیون ملی افغانستان سفر لئونید برژنف رهبر شوروی را به هند اقدامی در جهت تحکیم مبانی صلح و امنیت بین المللی خواند.

بریک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب و نخست وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن اشاره به سفر لئونید برژنف به هند گفت:

«این نوع اقدامات دلیل دیگری بر سیاست دائمی و مستمر حزب کمونیست و دولت شوروی در مورد تحکیم مبانی صلح و امنیت بین المللی است.»

بریک کارمل همچنین گفت: «مردم افغانستان با دقت زیادی جریان بازدید لئونید برژنف و مذاکرات وی را در دلی دنبال کردند. ما رفیق لئونید برژنف را بعنوان رهبر مردم کینه شوروی، دوست مردم ماوشیست برجسته‌ای که فعالیت‌های دارای اهمیت جهانی است، می‌شناسیم. رهبری که کوشش‌های خستکی ناپذیر او در مورد تحکیم مبانی صلح و تشنج زدائی و خلع سلاح مورد علاقه و احترام قهرهای وسیع مردم در قاره‌های گوناگون واقع شده است.»

وی افزود: ما در افغانستان برای کوشش‌های صلح جویانه پانو ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند و سایر رهبران هندوستان ارزش عالی قائلیم. هندوستان که یک کشور بزرگ آسیایی است، تحت رهبری زمامداران خود و با پاسداری از امر صلح و تقویت جریان تشنج زدائی و با مقابله با هر گونه تحکم امپریالیستی و برتری‌جویی و مبارزه برای برقراری روابط عادلانه بین همه کشورها، در جنبش بین المللی عدم تمهید نقش پر جسته‌ای ایفا می‌کند.

بریک کارمل در مورد اهمیت بازدید لئونید برژنف از هند گفت: «اهمیت بازدید لئونید برژنف از هند و مذاکرات وی با پانو ایندیرا گاندی و دیگر رهبران آن کشور از چارچوب مناسبات درجانب شوروی و هند بسیار بی فراهی گذاشته است. نتایج این بازدید و اسنادی که در جریان آن امضاء شد در گسترش رشته‌های مودت آمیز میان اتحاد شوروی و هندوستان سهم بزرگ و جدیدی ادا کرده است. در عین حال نتایج این دیدار برای سراسر آسیا و آینده جهان و جریان تشنج زدائی در سراسر دنیا اهمیت دائمی و فنا ناپذیر خواهد داشت.»

بریک کارمل اعلامیه مشترک هند و شوروی را در جهت تحکیم مبانی صلح و تثبیت اوضاع آسیا و سراسر جهان بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز خواند و گفت: «برای جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، مانند شوروی و هندوستان به هیچ وجه بی تفاوت نیست که اوضاع و حوادث درجهان منجمله در آسیا درجه سستی سیر می‌کند. ما در این مورد با رهبران اتحاد شوروی و هندوستان کاملاً هم‌راهی و هم عقیده هستیم که در این منطقه ممکن است و باید اوضاع عادی و آرام تأمین شود. به این جهت افغانستان بعنوان یکی از کشورهای زافع در جنوب باختری آسیا، علی‌الخصوص، دعوت رهبران اتحاد شوروی و هندوستان را به حل سیاسی و مسالمت آمیز مسائل منطقه برای اصل احترام کامل به استقلال و حق تأیید و تصدیق تمامی ارضی و مقررات ویرتدم تعهد کشورهای واقع در این منطقه کاملاً تأیید و تصدیق می‌کند. ما کاملاً معتقدیم که حل واقعا سازنده و عادلانه مسائل جنوب باختری آسیا منجمله مسائل مربوط به اوضاعی که در افغانستان در نتیجه سبب محافل امپریالیستی و سلطه‌جویان پدید آمد فقط از راه سیاسی و از طریق انجام مذاکرات مستقیم بدون مداخله بیگانگان، امکان پذیر است.»

بریک کارمل گفت: من می‌خواهم از سوی خود بگویم که کشور ما مانند بسیاری از دیگر کشورهای غیرمتعهد که در تأمین صلح و آرامش بعنوان شرط تحقق هدفهای بهبود زندگی همه ملتها زمینفنده، آماده است سهم خود را در بهسازی اوضاع بین المللی منجمله در این منطقه ادا کند. پیشنهاد دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مورخ چهاردهم ماه مه سال جاری همین هدف را تقویت میکند. بریک کارمل طلب کرد که به دعوت اتحاد شوروی و هندوستان جواب مثبت داده شود و بخاطر کاهش تشنج در منطقه و برای فراهم ساختن موجبات برقراری صلح پایسازدار، سیاسی واقع بینانه اتخاذ گردد.

وی درباره مذاکرات با رهبران مسئول جمهوری اسلامی ایران و همچنین کشور همسایه دیگر آن، پاکستان خاطر نشان ساخت: «ما از سوی خودمان حاضریم در هر موقع مناسب و در هر محلی که برای آنها و برای ما قابل قبول باشد با آنها دیدار کنیم.»

بریک کارمل در پایان سخنان خود گفت: «ما که از پشتیبانی و کمک عظیم کشور دوست اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی و ممالک غیرمتعهد و همه نیروهای ترقی خواه جهان برخورداریم تنها در امر تأمین هدفهای والا و بر ارجح انقلاب خود موفقیت بدست خواهیم آورد و سهم خود را در تأمین صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان ادا خواهیم کرد.»

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد

در مطبوعات کشور

وابستگی، البته در شکل بیجیدتری از لیبرال‌های و رشکته قبلی، مطرح میگردد.

در مجموع لیبرالها تمام کوشش‌های خود را در دوران تصدی وزارت خارجه بکار بردند، تا سیاست خارجی ایران راه اتخاذ و نزدیکی با نیروهای انقلابی و مترقی جهان و منطقه را نیساید، که نتیجه جبری آن کشیده شدن بدامن توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود.

اینک که بخشی از لیبرالها بعنوان حامیان خط برژنیسکی کنار زده شده‌اند، بایستی برای تقویت موضع انقلاب بر چلب حمایت و همکاری و ایجاد بیمنای مشترک با کشورهای مترقی و انقلابی و مسلمان در منطقه و جهان بپردازیم. تیره‌های مترقی منطقه تنها با ایجاد یک جبهه متحد قادر خواهند بود در مقابل توطئه‌های گوناگون امپریالیسم و صهیونیسم و مرتجعین منطقه پایداری کنند. اتحاد انقلاب ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری میتواند در این میان نقش مهمی را هم در ایجاد سد مقاومت در برابر امپریالیسم، و هم در درک گرایی اساسی در جایگزین ساختن انگیزه ایدئولوژیک بجای انگیزه قومیت عربی ایفا کند. این امر مسئله و رویداد بزرگی می‌تواند باشد که علی‌الخصوص با طرد چهره‌های مرتجع منطقه، راهگشای گسترش انقلاب بوده و رهایی از یوغ امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را نوید میدهد. اولین گامهای روشن در سیاست خارجی، که با سفر هیئت نمایندگی ایران به کشورهای مترقی منطقه بر داشته شد، باید همچنان ادامه یابد و انتقال تجربیات و اتخاذ مواضع مشترک و بیمنای استراتژیک باید به گرمی مورد استقبال قرار گیرد و اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد. فراموش نمی‌کنیم رئیس دولت موقت و وزیر خارجه‌اش تنها وقتی به الجزایر رفتند که مذاکره با برژنیسکی را بدنبال داشته باشند. اکنون نیز بایستی منتظر بود که تهاجمات لیبرالها در شکلی گوناگون شروع شود. آنها نزدیکی و اتحاد با کشورهای مترقی منطقه را تحمل نخواهند کرد و خواهند کوشید با علم کردن گرایش به شرق، از تدارک این گام مثبت جلوگیری کنند. اینگونه تبلیغات منفی لیبرالها، که جهت حاکمیت خط برژنیسکی بکسار می‌رود، خواهند کوشید با لوت کردن قضیه و با مارک و انگیزدن، از گسترش و عمیق تر شدن طبیعی این گام در جهت اقتصادی و نظامی و... جلوگیری کنند. واپس گریان و تفریب نیز از تعمیم مناسبات بنا کشورهای مترقی و انقلابی یا زدن مارک اتحاد و... با لیبرالها همصدا خواهند شد. تجربه تاریخی نشان میدهد که اتحاد کشورها میتواند در برابر صدمات و تهاجمات گوناگونی که از امپریالیسم و ایادی آن وارد میشود، بخوبی مقاومت نماید. ولی اگر کشوری بخواهد به تفریبی این مسیر را ببیماید، با مشکلات و موانع گوناگونی روبرو خواهد شد. بجز انبهای داخلی، کمبود ارزاق و مایحتاج در یک برهه از حیات انقلابی طبیعی و پذیرفتنی است و بغوریت نمی‌توان آنرا از داخل تنبیه کرد. کمک و یاری متحدین طبیعی باید در چنین زمانهائی نمود پیدا کند. در چنین روزهای دیگر مسئله سر مال من و تو نیست و همانگونه که سفر لیبی در ایران در حضور امام خمینی اظهار کرده: آنچه که شما دارید بما تعلق دارد و آنچه که ما داریم متعلق به شماست، باید مصداق خارجی خود را باز یابد و با تحکیم جبهه مقاومت و پایداری در برابر امپریالیسم و صهیونیسم در تدارک و گسترش انقلاب گامهای بلندی برداشته شود. اینک در مقطعی قرار داریم که یکی از در راه موجود را باید انتخاب کنیم: راه حل اول که لیبرالها پیشنهاد می‌کنند و وابستگی و ذلت را با اتصال به امپریالیسم در پناه شاره‌های راه و امنیت و آزادی... دنبال می‌کنند و اکنون با جو سازی و استفاده از عملکردهای رقیب نیز می‌کوشند آبروی از دست رفته را باز یابند و این خط را حاکم کنند و تهاجمات اخیر نیز دنباله این سیر می‌باشد.

راه حل دوم که مبتنی به خواستهای انقلاب و مکتب می‌باشد، این است که با اتخاذ مشی انقلابی در جبهه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست قرار گیریم و با اسالت دادن به درون و تکیه قرار دادن سیاست‌های انقلابی مکتبی، که خود بخود حمایت کشورهای مترقی را بدنبال خواهد داشت، از گردابی که امپریالیسم می‌کوشد انقلاب را در آن اسیر سازد، رهایی پیدا کنیم.»

امتن (۱۷ آذر ۵۹)

پرونده سازی...

بویژه در دوران کنونی، که تحکیم اتحاد همه مبارزان انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب داخلی، سرمایه داران وابسته و کلان زمینداران و لیبرالهای سازشکار و مانویست‌های ضد

«... آزادی جاسوسهای آمریکائی که در اولین روزهای انقلاب توسط وزیر امور خارجه وقت دکتر یزدی صورت می‌گیرد و تسخیر شدن که در مورد ادامه روابط و وابستگی به آمریکا داده میشود و ارتباط دولتمردانی چون امیرانتظام، که بست حساس سخنگوی دولت را بهمه داشت، با امپریالیسم و بکسار گماردن لیبرالهای وابسته‌ای چون تریه و مقدم مرانهای و... طبیعتاً نمی‌توانست سیاست خارجی بهتر از این را بهمه داشته باشد. دولتمردان لیبرال میکوشیدند با حفظ روابط قبلی با امپریالیسم و دول مرتجع، انقلاب را بورطه اضحلال بکشاند. بیئت‌ها و خصلت‌های لیبرالی موجب شد تا به مذاکره با شیطان بزرگ نشینند و در عوض با کشورهای مترقی ارتباط نداشته باشند.»

بعد از جریان اشغال جاسوسخانه، که سره‌های بر پیکر سازشکاران وارد آمده بود، انتظار میرفت سیاست خارجی تغییر کند. اما گذشت زمان نشان داد که سیاست لیبرالی در زمینه خارجی همچنان بقوت خود باقی است. وزرای خارجه‌ای که یکی پس از دیگری جایگزین شدند، علاوه هیچ نوع نوآوری و مشی انقلابی در زمینه سیاست خارجی اتخاذ نکردند. سفارتخانه‌های ایران بجای اینکه یک انقلاب باشند، یک ضدانقلاب شدند. برای انقلابی که هزاران شهید در راه کسب استقلال و رهایی از یوغ امپریالیسم داده، برنج آور است که وزیر امور خارجه‌اش برای کسب حمایت دول مرتجع منطقه بکوشد. امثال ضیاعالحق و جمشوری آمریکائی ایشان، که برای وزیر امور خارجه ایران، آقای قلبی زاده سبیل شده بودند، غلامان حلقه بکوشی هستند که دست‌هایشان ناشی از چانه زدن بر سر قیمت و وابستگی به امپریالیسم می‌باشد.

طبیعتاً با عملکرد نظر به غرب چنین وزرای خارجه‌ای و شرکت آنان در کنفرانس‌های آمریکایی، باید منتظر روابط تیره آنها با کشورهای مترقی چون لیبی بودیم، هر چند در این رابطه بهانه دیگری را علم کرده بودند. در حقیقت شمار نه شرقی نه غربی را، که بخشی لیبرالها هم از آن می‌زنند، بخاطر فریب مردم بوده و عملکردهای آنان سیاست گرایش به غرب و تجدید وابستگی را نشان می‌دهد. در بیش برخی لیبرالها شعار نه شرقی، نه غربی تنها مفهوم جغرافیائی دارد و دنباله طبیعی آن شعار چنین می‌شود که پس زایمی، فرانسوی و... و با شناختی که از ماهیت یکپارچه امپریالیسم داریم، دم خروس آقایان از همین‌جا پیدا میشود و قضیه سیاست تجدید

کمک مالی به حزب توده ایران، یک توطئه انقلابی است!

افسانه یک گردن بند طلا و یک سکه چهار آزادی امیر از نظام آباد ۱۰۰۰ ریال ج. م. ۲۰۰۰ ریال دانش آموزان هوادر حزب از دبستان و مدرسه راهنمایی بابل ۱۱۵۰ ریال تبرکگاه برق لوشان ۱۰۰ ریال احمد ۵۰۰۰ ریال یوسف و خواهرش از منجیل ۵۰۰ ریال

NAMEH MARDOM No. 398 18 December 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران